

■ **در توصیفات اولیامی که دایانا دربارۀ کاخ ساندرینگهام (یکی از کاخ‌های سلطنتی انگلستان) به هری و ویلیام (فرزندانش) ارائه می‌دهد، گزاره‌های قابل تاملی مطرح می‌کند. از آن جمله که «اینجا آینده‌ای وجود ندارد و گذشته و حال هم یکی است.»** این گزاره تصویر روشنی از زندگی در کاخ‌های سلطنتی ارائه می‌دهد



قربانی ملکه حسود

درباره فیلم سینمایی «اسپنسر» که نگاهی تازه به دربار بریتانیا دارد

گروه فرهنگ و هنر: نظراتی که درباره خانواده سلطنتی و شخص ملکه بریتانیا هر روز به نحوی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، تصویری از کاخ باکینگهام را برجسته می‌کند که با آنچه پیش‌تر از مرگ مشکوک دایانا اسپنسر از دربار بریتانیا منتشر می‌شد، بسیار متفاوت است. یکی از نقاط جدی تغییر نگاه مردم حداقل در بریتانیا و مجموعه اروپا نسبت به ملکه و دربار بعد از تصادف مرگبار دایاناست چرا که بسیاری از مردم به خاطر تقابلی که میان ملکه با دایانا پیش آمده بود و جدایی او از چارلز، حسد‌هایی درباره چرایی این مرگ می‌زدند. اینکه طبیعی نبود راننده اتومبیل دایانا ۳ برابر حد مجاز مشروبات الکلی مصرف کند و اینکه دایانا به یکی از دوستانش نامه بنویسد و ماه‌ها پیش از این اتفاق از سر به نیست شدنش خبر بدهد، هر یک می‌توانست شاهدهی بر جدی بودن این فرضیه باشد اما عملا دادگاهی که بتواند به این ماجرا ورود کند و نظری متفاوت با آنچه دربار بریتانیا می‌خواهد بدهد، وجود نداشت. چند سال قبل تر از این اتفاق، هنگامی که چارلز به روابط پنهانی خود با «کاملیا پارکر بولز» اعتراف کرد دیگر دایانا هیچ امیدی به زندگی مشترک‌شان نداشت.

همان موقع بار دیگر اختلافات گوارشی سراغش آمد. او حتی در این دوران که رفت و آمد مکرر کاملیا پارکر را به قصر

شوهرش می‌دید، چند بار دست به خودکشی زده، دایانا کمی بعد خودش را از شوهرش و دربار جدا دید. فیلم سینمایی «سپنسر» که پابلو لاراین شیلیایی بر اساس متنی از استیون نایت بریتانیایی آن را ساخته است، در روایتی که از دایانا ارائه می‌دهد، به این مقطع می‌پردازد؛ چند روز در ایام کریسمس ۱۹۹۱ که بازنمایی تصویری از بخش مهمی از دوران زندگی چارلز و دایاناست. آن ۳ روز، در همه زندگی دایانا تکرار شده‌است. پس از مواجهه شدن با خیانتی که نسبت به او از سوی چارلز رخ داده بود.

اسپنسر در عین حال که روایتی تازه از زندگی دایانا در سال‌های پایانی زندگی‌اش

در خانواده سلطنتی است، مسائل مهمی را درباره دربار بریتانیا برجسته می‌کند. رویکرد روانشناسانه‌ای که در توصیف دایانا، دربار، ملکه و… در فیلم اتخاذ شده از ۲ جنبه قابل بررسی است. اگر با پیشفرض حذف دایانا توسط ملکه، به این فیلم نگاه کنیم، با دایانا که «کرستین استوارت»

بخوبی از پس نقشش برآمده، همراهی بیشتری خواهیم داشت، چرا که رویکردهای دیکتاتورمانابه و سنت‌های احقانه ملکه چیزی نیست که نسبت به آن بی تفاوت باشیم. خیلی پیش از اینها نیز دربارۀ ملکه و رفتارهای تسلط‌گر ایانه‌اش حرف و

حدیث و مصداق وجود دارد. این فیلم هم بخوبی این گزاره را به تصویر می‌کشد. در عین حال وجه دیگری نیز از این نوع پرداخت روانشناسانه می‌تواند مورد توجه و تامل قرار بگیرد، آن هم برای شرایطی است که بدون پیشفرضی درباره ملکه و دربار و بدون شناخت از ملکه به تماشای این فیلم بنشینیم. در آن شرایط با چه پدیده‌های مواجهیم؟ شخصیت اصلی ما دایانا اسپنسر از ابتدا گویی یک دیوانه مالیخولیایی است؛ کسی که اختلالات روانشناختی دارد و اسیر شک‌های زنانه است؛ شک

نسبت به خیانتی که همسرش درباره او مرتکب شده است. در این صورت مخاطب عادی ممکن است کمی هم به ملکه حق بدهد؛ با آنکه متوجه این موضوع می‌شود که سنت‌هایی

و «مفرح» عنوان می‌شود.

در عین حال وزنه اسپنسر، در موازنه میان ملکه– دایانا، به نفع دایانا سنگین‌تر است و نسبت به او سمپاتی‌ک‌تر است. چرا که میان ملکه و دربار تفاوتی قابل نمی‌شود. در توصیفات اولیامی که دایانا درباره کاخ ساندرینگهام

مواجهه‌های اخیر با کاخ باکینگهام صریح‌تر از گذشته‌است

تاج بی محل



THE CROWN
A NETFLIX ORIGINAL SERIES

در سال‌های اخیر مواجهه با خانواده سلطنتی صریح‌تر از گذشته شده است. با این حال نحوه برخورد‌های دربار بریتانیا و کاخ باکینگهام هنوز از موضع پیشین است. حاشیه‌ای که در دسامبر گذشته برای فصل چهارم سریال «تاج» محصول مشترک آمریکا و بریتانیا به وجود آمد، شاهدهی بر این مدعاست. «تاج» داستان سلطنت ملکه الیزابت دوم در انگلستان را به تصویر می‌کشد. فصل اول این مجموعه، شامل ۱۰ قسمت یک ساعته است که ۴ نوامبر ۲۰۱۶ منتشر و با استقبال بالای مخاطبان روبه‌رو شد. پس از استقبال تاماشگران از این سریال و همچنین مورد ستایش قرار گرفتن از سوی منتقدان، فصل دوم «تاج» بافاصله سفارش داده شد و دسامبر ۲۰۱۷ به نمایش درآمد و پس از آن فصل سوم هم تولید و پخش شد و در نهایت فصل چهارم این مجموعه سال گذشته در اوج شیوع ویروس کرونا در سراسر جهان در قالب نمایش خانگی از سوی شبکه نتفلیکس منتشر شد. سریال «تاج» زندگی ملکه الیزابت دوم را از زمان عروسی وی در سال ۱۹۴۷ تا به امروز نمایش می‌دهد. فصل چهارم سریال «تاج»، بازه تاریخی بین ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۰ را روایت می‌کند و در آن شاهد دوران نخست‌وزیری مارگارت تاچر و معرفی لیدی دایانا اسپنسر، همسر پرنس چارلز و مادر پرنس ویلیام و پرنس هرسی هستیم. اتفاقات فصل چهارم سریال دهه ۸۰ میلادی را به تصویر می‌کشد که مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا بود و در این دهه دایانا با شاهزاده چارلز ازدواج کرد که در این فصل شاهد نمایش مشکلات بین چارلز و دایانا هستیم. در ایسن فصل پرداختن به زوایای پنهان روابط سیاستمداران دهه ۸۰

یکی از کاخ‌های سلطنتی) به هری و ویلیام (فرزندانش) ارائه می‌دهد، گزاره‌های قابل تاملی مطرح می‌کند. از آن جمله که «اینجا آینده‌ای وجود ندارد و گذشته و حال هم یکی است.» این گزاره تصویر روشنی از زندگی در کاخ‌های سلطنتی ارائه می‌دهد. در سکناسی میان مواجهه دایانا و ملکه الیزابت، دایانا از زیبایی ملکه در برنامه تلویزیونی تعریف می‌کند اما ملکه صراحتا مخالفت خود را با مساله زیبایی مطرح می‌کند. همه مراسم عمده در کاخ، معطل لباس پوشیدن دایاناست. مساله لباس و در شأن بودنش آنقدر جدی است که در جایی دایانا خطاب به یکی از خدمه که به زیبایی‌اش اشاره می‌کند، می‌گوید: «زیبایی به درد خاصی نمی‌خوره، زیبایی تو لباسیه که می‌پوشی.»

تلاش ملکه برای تسلط بر دایانا جایی از فیلم جنبه نمادین پیدامی‌کندو معنای تسلط بر کل جامعه بریتانیا از آن برداشت می‌شود؛ تسلطی همراه با استبداد. دایانا به زیبایی لباس ملکه اشاره می‌کند. ملکه برای اینکه تسلط و برتری خود نسبت به دایانا را نشان دهد، با رفتاری که «حسادت» در آن برجسته است، با بتخت‌ر به دایانا می‌گوید: «از تو زیاد عکس می‌گیرن؛ انه؟ ولی بدون تنها تصویری که اهمیت داره اون‌ی هست که روی اسکناس ۱۰ پوندی می‌ذارن. وقتی اون عکس رو می‌گیرن، متوجه می‌شی تنها چیزی که هست پوله، نه زیبایی.»

گرفتن جانب دایانا به‌رغم ارائه تصویری مالیخولیایی از او، در مواجهه‌ای که از او با چارلز تصویر می‌شود هم وجود دارد. دایانا در توضیح شرایط زندگی خودش با چارلز می‌گوید: «به شاهزاده توی شکمت می‌کارند و مین بین کارشون». این مساله ارجاعی به ارتباط پنهانی چارلز با کامیلا پارکر دارد و خیانتی که در طول فیلم ممکن است نسبت به واقعیت داشتن آن تردید کنیم و این ابهامی است که توسط فیلمساز برجسته شده‌است؛ حال آنکه سلامتی روانی دایانا اتفاقاً با شک او درباره این ارتباط آشکار می‌شود. سال‌ها بعد زمانی که چارلز پس از مدت‌ها ارتباط مخفیانه بالاخره در سال ۲۰۰۵ با پارکر ازدواج می‌کند، مشخص می‌شود دایانا راست می‌گفت ولی گویی قرار بود به عاقبت یکی دیگر از زنان پادشاهی بریتانیا که سرنوشتی تقریباً مشابه دارند دچار شود. اشاره‌ای که به «آن بولین» همسر هنری هشتم و سرنوست او شده است از این منظر دارای اهمیت است. فیلم به ما اینطور می‌گوید که آن بولین با اتهام ناروای خیانت و ارتباط نامشروع، توسط هنری هشتم گردن زده می‌شود. در حالی که کسی که گناهکار بود

و خیانت کرده بود، هنری هشتم بود نه آن بولین. گویی پیدا کردن این مشابهت میان هنری هشتم و چارلز و عدم تغییر در دربار بریتانیا طی چندصدسال، توانسته تمثیل آن بولین را به رفتار، زندگی و زمانه دایانا نسبت دهد.

اینکه چارلز در انتقاد از رفتار دایانا به صلاح مملکت اشاره می‌کند، نمادی از گره زدن خواست‌های ملکه به فضای کلی حکومت در بریتانیاست.

اتفاقاتی که این روزها شاهزادگان ویلیام و هسری تجربه می‌کنند، تأثیری جدی بر فیلم اسپنسر گذاشته است. هری همان کاراکتری است که در کودکی هم دل خوشی از دربار ندارد و منتظر است به نحوی از شر دربار و ملکه و چارلز خلاص شود. ویلیام که مانند در کاخ باکینگهام را به صلاح دیده، در نوجوانی هم محافظه‌کار است و به مادرش توصیه می‌کند بر خورد‌های دربار و ملکه را جدی بگیرد. گویی آینده این ۲ نیز به رفتار گذشته آنها گره خورده است. پایان‌بندی هم متفاوت است. از آن چیزی است که درباره فیلم‌های مربوط به دایانا پیش‌بینی می‌کنیم. این فیلم با تصادف و مرگ دایانا تمام نمی‌شود و با تلاشی که برای ادامه زندگی با فرزندانش می‌کند، برجسته می‌شود، یعنی او می‌خواهد زنده بماند. حالا این بخش می‌تواند تخیلی باشد یا نباشد. با وجود چند اقدام به خودکشی در دوران زندگی با چارلز اما در تصمیمی که او برای زنده ماندن گرفته تردیدی نیست.

در نهایت، پیام اسپنسر را شاید بتوان در گزاره‌ای که دایانا در سکناس‌های نزدیک به پایان در گفت‌وگو با مگی (یکی از خدمه‌های) مطرح می‌کند، جست‌وجو کرد. دایانا در پایان می‌گوید: «هر چی بیشتر بگذره با کلمات کمتری توصیف می‌کنن». حالا هر چه زمان می‌گذرد، تصویر از ملکه شفاف‌تر می‌شود؛ الیزابت حسود.

چیزی تغییر نکرده‌است

است. او همچنین با اشاره به رابطه خود با پدرش و اینکه احساس کرده او رهایش کرده است، گفته بود: خانواده‌ام عملاً ارتباط مالی با من را قطع کردند. به گفته او، شاهزاده چارلز در یک دوره زمانی حتی از پاسخ دادن به تماس‌های او خودداری کرده است؛ ۳ بار با مادر بزرگم صحبت کردم و ۲ بار با پدرم که او دیگر به تماس‌هایم پاسخ نداد و گفت: حرف‌هایت را بنویس. سال گذشته وقتی گفت‌وگوی جنجالی مگان و هری با اپرا وینفیری، فضای رسانه‌ای را با خود همراه کرد و توانست کاربران فراوانی را نسبت به وضعیت وخیم دربار بریتانیا حساس کند، خانواده سلطنتی نتوانست نسبت به‌این اظهارنظرهایی تفاوت‌یابد. باکینگهام تلاش کرد اقلک عمومی را بیش از این از کاخ باکینگهام متنفر نکند و در پاسخی که پس از ساعت‌ها جلسه در ستاد بحران کاخ منتشر شد، واکنشی خود به این گفت‌وگو را اعلام کرد. کاخ باکینگهام در بیانیه‌ای اعلام کرد، مساله نژادپرستانه‌ای که مگان مارکل در مصاحبه اخیر خود با اپرا



شنبه ۶ آذر ۱۴۰۰
وطن‌امروز | شماره ۳۳۶۰

[سینمای جهان]

روزهای آخر دایانا در سینما و مستند

قتل غیرقانونی

یکی از جدی‌ترین آثاری که روایت‌های غیررسمی درباره مرگ مشکوک دایانا را برجسته می‌کند، مستند «قتل غیرقانونی» است. این مستند که «کیت آلن» آن را کارگردانی کرده است، زمانی که در صصت‌وچهارمین جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد، از سوی مطبوعات و منتقدان با واکنش‌های فراوانی مواجه شد. این فیلم که مرگ مشکوک دایانا به همراه نامزدش «دودی الفاید» در یک حادثه رانندگی را سوزه خود کرده بود، مدعی می‌شود تصادف سال ۱۹۹۷ یک حادثه نبوده، بلکه یک جنایت از پیش طراحی شده به دستور «پرنس فلیپ» همسر ملکه الیزابت بوده است چون آنها نمی‌خواستند «پرنسس دایانا» که قبلاً عروس خانواده سلطنتی بوده با یک مسلمان ازدواج کند. اگر چه گزاره‌هایی که در این مستند طرح شده، با انتقاداتی از سوی برخی رسانه‌ها مواجه شد اما بعد از سال‌ها توانست به شکلی جدی پای این مرگ مشکوک را در رسانه‌ها باز کند. این فیلم با حمایت مالی «محمد الفاید» پدر دودی ساخته شد و همین موضوع باعث شد در همان جشنواره کن، نسبت به برخی استنادات این فیلم خدشه وارد شود. یکی از روزنامه‌نگاران آلن را مورد انتقاد قرار داده بود که چرا درساره اینکه بودجه ۲ و نیم میلیون پوندی این فیلم توسط الفاید تأمین شده، توضیح نداده است. آلن نیز در پاسخ گفته بود: بله! او این پول را داد، چون هیچ‌کس دیگری حاضر نشد این کار را انجام دهد. کیت آلن همین‌طور گفته بود: به نظر من خیلی مهم است که عموم مردم درباره اتفاقاتی که در این باره افتاده بدانند. من به هیچ‌وجه قصد نداشتم یک فیلم احساسی بسازم و فکر هم نمی‌کنم چنین فیلمی شده باشد، بلکه به نظرم یک فیلم مستند با تجزیه و تحلیل‌های منطقی و مستند درباره مرگ پرنسس دایاناست که به مردم نشان می‌دهد همه چیز انطور که به نظر می‌رسد نیست.



عاشقانه نامعتبر

«دایانا» یکی دیگر از فیلم‌هایی است که با محوریت شخصیت دایانا اسپنسر ساخته شده است. این فیلم با انتقادات فراوانی همراه شد؛ آنچنان که نه موافقان و نه مخالفان رویکردهای دربار بریتانیا، نه علاقه‌مندان دایانا و نه مخالفانش عموماً نظر مثبتی نسبت به این فیلم ندارند. این فیلم که «الیور هیرش بیگل» آلمانی آن را ساخته است، به ۲ سال آخر زندگی «شاهدخت ولز» و رابطه عاشقانه‌اش با «حسنت خان» جراح قلب پاکستانی و «دودی الفاید» فرزند یک بازرگان مشهور عرب می‌پردازد. این فیلم بر اساس کتاب «آخرین عشق او» (Her Last Love) نوشته «کیت اسنل» (Kate Snell) ساخته شده که نخستین‌بار سال ۲۰۰۱ منتشر شد. پرنسس دایانا در این فیلم از همسر اول خود چارلز، شاهزاده بریتانیا جدا شده است. دوپچه‌وله درباره این فیلم نوشته بود: حسنت خان از تهیه این فیلم چندان خشنود نیست و پیش از نمایش آن در مصاحبه‌ای گفته است برای ساختن «دایانا» با تهیه‌کننده و کارگردان آن همکاری نکرده است: «آنچه از رابطه من و دایانا در این فیلم نشان داده می‌شود، تنها ساخته و پرداخته ذهن دوستان و آشنایان من و دایاناست که اصولاً هیچ اطلاعی از آن نداشتند.» نقش حسنت خان را در این فیلم «ناوین اندروز» (Naven Andrews) بازیگر فیلم مشهور «بیمار انگلیسی» (English Patient) و سریال تلویزیونی «Lost» بازی کرد. همچنین اغلب رسانه‌های بریتانیا از «حاصل کار هیرش بیگل و گروه‌ش» راضی نبودند. روزنامه «گاردین» به عنوان مثال از «دیالوگ‌های عجیب و غریب و سطحی» آن انتقاد می‌کند و آنها را «تصورات بی‌بایه قلم به داستان روزنامه‌های زرد از زندگی خصوصی شخصیت‌های مشهور و حرف‌های روزانه آنان» می‌داند. به نظر منتقد این روزنامه، دایانای فیلم «زیاده از حد شیرین، مضحک و پیچیده» است. مواجهه رسانه‌های بریتانیایی درباره این فیلم قابل تأمل است. بر اساس گزارش دوپچه‌وله منتقد روزنامه «دیلی میل» هم نوشت «دایانا به طرز وحشتناکی خسته‌کننده و کسالت‌بار است». این منتقد نیز مانند همکاران دیگرش، چگونگی پرداخت شخصیت دایانا را زیر سوال می‌برد و به برجسته کردن «جنبه‌های خودبینانه و تحریف‌شده شاهدخت ولز» ایراد می‌گیرد.